

حضرت ولی امرالله می فرماید:

"گرچه جمعی قلیل در میان توده های خروشان عالمیم، اما در این یوم رهیب، وسائط رحمت خداوندیم و حامل ضروریتین و حیاتی ترین مأموریت در جهت سرنوشت بشریتیم."

انوار هدایت ص ۱۷۹

عنوان: یقین است که عالم روشن خواهد شد اما شرطش عمل بوصایا و نصایح جمال ابهی است

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- ذکر دسته جمعی "یا الله المستغاث"

۴- منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله (بخش اول)

۵- منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله (بخش دوم)

۶- قسمتهایی از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۷- مشخصات بارز جامعه فاسد و منحط

۸- قسمتی از دستخط منبع بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

۹- ما بهائیان خود را به یک جریان روحانی متعهد ساخته ایم

۱۰- ساعتی با عبدالبهاء

۱۱- شور و مشورت

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۳- الفت و پذیرایی

۱۴- مناجات خاتمه

برنامه ای که تحت عنوان "یقین است که عالم روشن خواهد شد اما شرطش عمل بوصایا و نصایح جمال ابھی است." تهیه گردیده سعی دارد با استمداد از آثار مبارکه الهیه ضمن برشمردن مظاهر فساد جامعه کنونی که نشان از انحطاط آن دارد، به بررسی این نکته مهم بپردازد که اولاً آنچه در عالم واقع می گردد در نظر احباء الهی بخشی از نقشه حضرت بهاء الله برای ساختن دنیای بهتر است و بدیهی است که برای ساختن بنایی زیبا و مستحکم نیاز است که بنای قدیمی به تمامه ویران شود و اتفاقات ارض وانحطاط جوامع بشری این ویرانی را تسریع می نمایند و ثانیاً به هر یک از ما متذکر گردد که ساختن مدنیت جدید نیازمند همراهی و مساعدت تک تک ما است درعین حال که باید همیشه به خاطر داشت جوامع بشری منحط از زیباییهای ظاهری نیز به وفور برخوردارند و ما به عنوان جند الهی می بایست هوشیارانه از این مظاهر مادی خود را برحذر داریم و هرگز در دام پرفریب آن گرفتار نگردیم چه که درغیراین صورت ما نیز از جمله نفوسی خواهیم بود که زیبا سخن می گویند و درعمل گفته های خود را باور ندارند. فراموش نکنیم که حضرت ولی محبوب امرالله می فرماید:

"جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل است"

جانتان خوش باد

۱- مناجات شروع

یا حسین بگو

پروردگارا توئی پادشاهی که امرت را جنود عالم منع ننمود و سطوت امم از اقتدارت باز نداشت. توئی آن کریمی که عصیان اهل امکان ملکوت غفرانت را منع ننمود. رحمتت بمثابه غیث هاطل بر عاصی و مطیع نازل. ای رحیم بندگان را از دریای بخششست منع منما و محروم مساز. توئی بخشنده و مهربان.

ادعیه محبوب ص ۳۱۱

هوالبهی

خدایا این بیچارگان را در ظل سدره منتهایت مأوی بخش و این آوارگان بادیه حرمان را در جوار فضل و عنایت ملجأ و پناهی ده این تشنگان مفازه بینوائی را بر شاطی بحر احدیت برسان و این طالبان ملکوت ابهت را به سر منزل وحدانیت واصل کن این طیور بال و پر شکسته را در حدائق تقدیس داخل کن و این مرغان دم بسته را به الحان جوهر توحید در جتت تجرید و فردوس تفرید آواز و ترانه بخش این ذلیلان را به عزت قدیمه ات دلالت فرما و این علیلان را به دریاق فاروق اعظمت درمانی عطا کن و این فقرا را در ظل عنایت مسکن ده و این ضعفا را به شدید القوی تأیید فرما تا این گمگشتگان صحرای محبتت در مدینه تقدیس وارد شوند و این بیهوشان باده عشقت در انجمن توحید چون شمع روشن شوند .

ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۴۰۴

۴-منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله (بخش اول)

عالم منقلب است

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"عالم منقلب ، و احدی سبب آنرا ندانسته . بآسا و ضرّاء احاطه نموده . ارض آرام نخواهد گرفت مگر بندای اسکنی و لکن نظر باس اساس سیاست الهی و اصول احکام ربّانی در القای کلمه ، توقّف رفته و میرود و از قبل این کلمهء علیا از قلم اعلی جاری و نازل : خیمه نظم عالم به دوستون قائم و برپا مکافات و مجازات . نظر به جزای اعمال ، خلق در خسران و وبال مشاهده می شوند ... تفکر در انقلابات دنیا نما ، لعمری لاتسکن بل تزداد فیکلّ یوم . هذا ما یخبرک به الخبیر . خلق از ندای حقّ و حلاوت آن محروم بوده و هستند ، عجب در آنست که از ندای عالم هم محرومند . " ۱

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"الیوم هیکل عدل تحت مخالف ظلم و اعتساف مشاهده میشود از حق جلّ جلاله بخواهید تا نفوس راز دریا آگاهی بی نصیب نفرماید چه اگر فی الجملة آگاه شوند ادراک مینمایند که آنچه از قلم حکمت جاری و ثبت شده بمنزله آفتاب است از برای جهان راحت و امنیت و مصلحت کلّ در آنست والا هر یوم بلای جدیدی عالم را اخذ نماید و فتنه تازه ئی بر پا شود." ۲

وظیفهٔ احباء الهی در این دنیای پرآشوب

یا عبادَ الرحمن ، مقصود امکان در این سجن اعظم شما را ذکر می نماید و وصیت می فرماید به آنچه که سبب و علت بزرگی و بزرگواری است . دنیا را سطوت فنا اخذ نموده و در هر حین آثارش ظاهر و باهر . دوستانی که به حقّ منسوبند و به اسمش مذکور، باید به حول و قوهٔ مقصود یکتا بر اعمالی قیام نمایند که هر صاحب شمی عرف تقدیس و تنزیه از آن بیابد . امروز روز خدمت و عمل پاک است . از حقّ می طلبیم کلّ را از آلائش اعمال مردوده مقدّس فرماید و به آسایش حقیقی فائز نماید . حمد کنید حضرت مقصود را که شمارا به انوار آفتاب بیان منور فرمود .

آیات الهی ج ۲ ص ۷۲

۶-قسمتهایی از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"انشاء الله بآستان مبارک وفا داشته باشیم نوعی کنیم که سبب نورانیت امر و علویت امر و روحانیت امر مبارکش شویم تا حلاوت تعالیم جمال مبارک مذاقها را شیرین کند. اما مشروط باین شرط است که بموجب وصایا و نصایح مبارک عمل نمائیم و یقین است که عالم روشن خواهد شد اما شرطش عمل بوصایا و نصایح جمال ابهی است."

خطابات مبارکه ج ۳ ص ۴

و در بیانی دیگر می فرمایند:

جمیع افکار در عالم طبیعت غرق گردیده هر چه هست جلوهٔ جهان طبیعت است نه جلوهٔ الهی. و چون در عالم طبیعت نقائص بسیار لهذا انوار مدنیّت الهیه پنهان و طبیعت حکمران شده است. در عالم طبیعت قوهٔ اعظم، تنازع در بقا است و این منازعه در بقا مبدأ و منشأ جمیع مشکل ها و سبب جنگ و جدال و عداوت و بغضاء بین جمیع بشر است. زیرا در عالم طبیعت ظلم و خود پسندی و آرزوی غلبه و تعدی بر حقوق سایرین صفات غیر ممدوحه که از رذائل عالم حیوانی است موجود. پس تا مقتضای طبیعت بین بشر حکمران است فلاح و نجات محال. زیرا فلاح و نجات عالم انسانی بفضائل و خصائل است که زینت حقیقت انسان است و آن مخالف مقتضای طبیعت است.

خطابات مبارکه ج ۳ ص ۳۱

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند این جمع مستمند را خردمند نما و این دیوانه ها را هوشمند کن این گرگان را آهوان بر وحدت نما و این خونخواران را خوی فرشتگان بخش ای پروردگار به استعداد و لیاقت معامله مفرما. الطاف و عنایت مبذول دار. اگر این وحوش را به حال خویش گذاری، ذی روحی از آن اقلیم باقی نماند جمیع راجع به جحیم گردند و به عذاب الیم افتند. پس به فضل و موهبت خویش این نادانان را دانا کن و این جمع پریشانرا در ظلّ عنایت مجتمع فرما. صلح و صلاح بخش و از سیف و سلاح بیزارنما آشتی و دوستی و راستی و حقیقت پرستی عنایت کن. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و قادر و بینا. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۸۸

۷- مشخصات بارز جامعه فاسد و منحط

حضرت ولی امرالله می فرماید:

عجیبی نیست که چون در نتیجه فساد بشری چراغ دین خاموش شود و خلعت معنوی که بایستی زینت هیكل انسانی باشد، از او خلع گردد، ناچار انحطاط تأسّف انگیزی در سرنوشت بشر فی الفور بوجود می آید و با خود هر نوع شرّی را که از یک شخص خاطی منحرف سرزدنی باشد همراه می آورد. و در چنین حالی است که انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مؤسّسات متعلّق به انسان، به بدترین و نفرت بارترین وجهی ظاهر و آشکار گردد و ماهیّت انسانی تدتّی یابد، اعتماد و اطمینان سلب شود، رشته انضباط از هم بگسلد، ندای وجدان خاموش شود، شرم و حیا از میان برخیزد، مفاهیم وظیفه شناسی و هم بستگی و احترام و رفتار متقابل و وفاداری، تعبیرات غلط گیرد و عواطف عالیّه آرامش و سکون و شادمانی و سرور و امیدواری از میان بر خیزد.... احیاء و بازگشت تعصّبات دینی و خصومات نژادی و غرور وطنی، شواهد روزافزون خودپرستی و سوء ظنّ و خوف و تقلّب، اشاعه تروریسم و قانون شکنی و شرب مسکرات و جنایت، داشتن عطش مُفراط و کوشش حادّ و بیحدّ برای کسب مال و لذّت و شوون ناچیز دنیوی، تضعیف اساس خانواده، اهمال در مراقبت و انضباط اطفال از طرف والدین، استغراق در تجمل پرستی، نداشتن حسّ مسئولیت در قبال ازدواج و بالتّتیجه ازدیاد طلاق، انحطاط و انحراف در عالم هنر و موسیقی، ملوّث شدن ادبیّات و فساد مطبوعات، تزئید نفوذ و فعالیتّ مروّجین انحطاط که از بسر بردن زن و مرد با هم بدون ازدواج دفاع می کنند و فلسفه برهنگی را تعلیم می دهند و حیاء را منسوخ و افسانه خیالی می شمارند و از قبول اینکه تولید نسل را مقصد اصلی و مقدّس ازدواج بدانند ابا دارند و دین را افیون خلق توصیف می کنند و اگر بتوانند نوع بشر را به قهقرای توخّش و هرج و مرج و بالاخره به انعدام صرف سوق می دهند. اینها همه بظاهر ظاهر از خواصّ بارزّه جامعه فاسد منحطّ این زمانند جامعه ای که چاره دیگرش نیست جز آنکه دوباره احیاء شود یا به مرگ و نیستی دچار گردد.

نظم جهانی بهایی ص ۱۳۰

"... در سراسر جهان، آشوب و اغتشاش، به طور روزمره در حال فزونی است. این آفات و بلیات چنان شدت خواهد یافت که دیگر پیکر بشریت قادر به تحمل آن نخواهد بود. آنگاه مردمان از خواب غفلت بیدار خواهند شد و از این حقیقت که دین نوری است مبین و حصنی است متین و قوانین و نصایح و تعالیمش، منشاء و مصدر زندگی بر این سیارهٔ خاکی است، آگاه خواهند گشت.

هرچشم بینائی به روشنی می بیند که مراحل ابتدایی این طغیان و سرکشی، حائز جلوه های یومیه ای است که ساختار جامعهٔ انسانی را متأثر می سازد و قوای مخربه اش، دارد مؤسسات محترم داشته دیرینه را که در قرون و اعصار گذشته، ملجأ و پناه سگان ارض بوده و جمیع امور و احوال حیات ادمی حول آنها می گشته است، از بیخ و بن برمی افکند. همین قوای مخربهٔ منهدمه، همچنین دارند تعادل سیاسی، اقتصادی، علمی، ادبی و اخلاقی عالم را برهم می زنند و شریفترین ثمرات مدنیت کنونی را نابود می سازند. دسیسه های سیاسی قدرت مداران، مظهر زوال را بر اصول اساسی نظم جهانی فرود آورده است. حرص، شهوت، اغواء، ریا، ظلم و غرور، خصائص غالبهٔ مستولیه بر روابط بشریه اند. اکتشافات و اختراعات که ثمرهٔ پیشرفتهای علمی و فنی اند، وسائل و ابزار انهدام کلی و امحاء جمعی قرار گرفته اند و دردستهای کافران و بی خدایان افتاده اند. حتی موسیقی، هنر و ادبیات که باید مبین و ملهم شریفترین احساسات و عالیترین آرمانهای انسانی و سرچشمهٔ آسایش و آرامش برای ارواح معذبّهٔ مغمومهٔ بشری باشند، از مسیر صواب منحرف گشته و آینهٔ تمام نمای انفس فاسده و دلهای آلودهٔ متعلق به این عصر مبهوت و منحرف و مغشوش، شده اند....

دراوقاتی چنین عذاب آلود، که بشریت، سرگردان و خردمندترین مردمان، برای یافتن شفاء و درمان، گیج و حیرانند، خلق بهاء که به فیض قطعی و هدایت الهیش مطمئنند، یقین دارند که هر یک از این بلیات معذبّه را علتی، مقصدی و نتیجهٔ معینی است و تمامیشان ابزار لازمی هستند برای استقرار مشیت تغییرناپذیر الهی بر این گسترهٔ خاکی،... بنابراین، احبای عزیز الهی که چنین منظری روشن و وسیع در برابر دیدگان خود دارند، هرگز از چنین وقوعات کوبنده، مشوش نخواهند شد و از این اصوات پر دمدمه، مضطرب نخواهند گشت و در مقابل چنین بلیات و تشنجاتی، ترسان و هراسان نخواهند بود و نیز هرگز، حتی برای یک لحظه، از ایفای وظایف مقدسهٔ خود باز نخواهند ماند. و یک مورد از این وظایف مقدسهٔ خطیره اینست که در حیات یومیهٔ خودشان آن صفات و ملکاتی را که مرضی آستان مقدسش است، به منصفهٔ ظهور آورند."

جناب پیترخان در سخنرانی خود تحت عنوان "نیازها و فرصتهایی که جامعه بهائی با آن روبرو است می فرمایند:

ما مادیگرایی را در اطراف خود مشاهده می کنیم می بینیم مردم به این علت در این روزگار پریشان هستند که نتوانسته اند آگاهی روحانی متعالی را برای مقابله با جهان مادی ایجاد کنند... مردم جریان زندگی خود را با توقع نتایج مادی ارزیابی می کنند. اگر از کسی بپرسید در نظرداری فلان کار را چگونه انجام دهی؟ آنچه که در وصول او به هدفش مورد نظرش خواهد بود، ارزش های مادی است... این صحیح و درست است، اما محدود و ناقص است. ما می دانیم که زندگی چیزی به مراتب بالاتر و بیشتر از اشیاء مادی عرضه می دارد، میدانیم که بُعد روحانی به مراتب حیاتی تر و مهمتر است. ما بهائیان با نفس اقبال به دیانت که بخشی از آن شده ایم، خود را به یک جریان روحانی متعهد ساخته ایم. این بخشی از این قرارداد است. این ذاتا و فطرتا با بهائی شدن ما مرتبط است یعنی با روحانی شدن، ما هدف حیات را متحقق سازیم. ما تشخیص داده ایم که اینجا روی زمین نیستیم که هفتاد و هشتاد سال زندگی کنیم، از اموال و دارایی مادی لذت ببریم و از لحاظ مادی زندگی راحتی داشته باشیم، بلکه ما می دانیم که پس از مرگ به زندگانی جاودان، به حیاتی از لحاظ زمانی بی پایان خواهیم رسید. ما در اینجا هستیم تا هدف از حیات را تحقق بخشیم و خود را برای جهانی که در ورای مرگ وجود دارد و گریز ناپذیر است، آماده کنیم. ما در اینجا هستیم تا نمونه و الگویی از آرامش و اطمینان برای مردم اطرافمان تأمین نمائیم و ما اینجا هستیم تا سایرین را به پیام الهی که توسط حضرت باب و حضرت بهاء الله عنایت شده است، جذب کنیم. این برهه از تاریخ نوع بشر، این زمان از حیات ما، مقطعی است که از ما دعوت شده تا یک آگاهی متعالی در خود و اطرافمان ایجاد کنیم... ما باید به جهان نشان بدهیم که جامعه بهائی یک نمونه و الگوی زیبایی از روابط پرمعنای بین افراد است. امروزه که جامعه در حال فروپاشی است و نمی تواند روابط پرمعنای بین افراد را ثابت و پایدار نگاه دارد، این از جمله نیازها است... برخورداری از دیدگاهی عمیقتر از تعالیم دیانت بهایی نسبت به آنچه که امروزه در جهان رخ می دهد، اجتناب از کشیده شدن به دام هیجانات، خشم و غضب و تنشهای پیرامون ما، توانایی گسترش آگاهی متعالی روحانی در مقابل مادیگرایی که جهان مستغرق در آن است و توسعه روابط پرمعنای هماهنگ بشری در زمانی که افراد اطراف ما توانایی ارتباط پرمعنی و استقرار روابط هماهنگ با یکدیگر را از دست داده اند... اگر ما خود را کاملتر از قبل به این عناصر متعهد سازیم، می توانیم در عین حفاظت و صیانت از خود در مقابل قوای مضره دنیای اطرافمان، به اشتیاق شدید خود برای جذب تعداد فزاینده ای از مردم به امر مبارک حضرت بهاء الله جامعه عمل بپوشانیم تا آنها نیز دریافتن رستگاری و رضایت خاطر در ظلّ امر مبارک به ما ملحق گردند.

از مقاله نیازها و فرصتهایی که جامعه بهایی با آن رو به رو است

پیام بهایی ش ۲۸۱ ص ۱۵-۱۰

محمودعباس العقاد که یک نویسندهٔ مصری است از ملاقات خود با حضرت عبدالبهاء چنین می گوید:

"خلاصهٔ یادداشتهای روزانهٔ خود را که چند هفته پیش از ان به چاپ رسانده بودم به او تقدیم داشتم. این نخستین کتاب من بود که از چاپخانه بیرون می آمد.... در صفحهٔ اول کتاب راجع به جامعهٔ بشری چنین نگاشته بود: ... عوامل اجتماعی از دیرزمان همواره انسان را در دایره ای می افکند شبیه به حلقهٔ ایجادشده روی آب که محیطش اندک اندک گسترش می یابد و در هر دور آنچه را که از محیط حلقهٔ پیش بیرون بوده در برمی گیرد. به وجود آمدن قبیله از عائله و ملت از قبیله و امت از ملت و جامعه از امت، نوید آن است که گام بعدی ما را به مقصد نهائی که تحقق آن از دیرزمان مصلحان بزرگ را به خود مشغول داشته، پیش می برد و آن داخل شدن تمامی امتهای زمین زیر پرچم یک جامعه یعنی جامعهٔ انسانی است. در حالیکه جای این جمله را نشان می دادم کتاب را به او سپردم. شادمانه آن را پذیرفت و با تحسین آن عبارت را خواند و چندبار گفت: انشاء الله، انشاء الله. احسنت، احسنت.

... گفت: اما جهان اکنون غرق در مادیات است در حالیکه جز از جهت روح راهی برای رسیدن به صلح نیست. عالم پرواز نتواند مگر با دو بال، یک بال از ماده و یک بال از روح. حال آنکه در حال حاضر با یک بال پرواز می کند و نیازمند بال دیگر است. عالم دچار جدایی و دوگانگی گشته و تا نیازهای مادی و احتیاجات روحی آن با هم به توافق نرسند، به کمال خود نخواهد رسید اما اگر راهی را که هم اکنون پیش گرفته، ادامه دهد، خدا ما و شما را حفظ کند، مصیبتی وحشتناک بر جهان وارد خواهد آمد که تا مدتی به شدت آن را تکان خواهد داد و سپس چشم او را به راه راست خواهد گشود اما بعد از مصائبی هولناک و غیر قابل تحمل.

عبدالبهاء عباس ص ۳۷۴-۳۷۵

۱۱ - شور و مشورت

عزیزان با عنایت به آنچه زیارت نمودیم و با توجه به بیان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله که می فرمایند: "گرچه جمعی قلیل در میان توده های خروشان عالمیم، اما در این یوم رهیب، وسا ئط رحمت خداوندیم و حامل ضروریتترین و حیاتی ترین مأموریت در جهت سرنوشت بشریتیم."

به نظر شما چگونه می توانیم

اولا خود و عزیزانمان را از مفاسد و مظاهر منحط جامعه کنونی، محفوظ نمائیم؟

ثانیا به عنوان جمعی کوچک و قلیل مأموریتمان در قبال عالم بشری را انجام دهیم؟